

رویداد

## تعطیلی نمایش‌های کانون با کرونا

لغو برنامه‌های هنری بابت پیشگیری از شیوع ابتلا به ویروس کرونا ادامه دارد.

کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان با صدور اطلاعیه‌ای همه نشست‌های عمومی، مهرواره‌ها، جشنواره‌ها و تئاترهای خود را طی دهرور آینده لغو کرد. در این اطلاعیه با اشاره به دغدغه خانواده‌ها و اولیای کودکان و نوجوانان آمده که فعالیت جاری مراکز کانون و کارگاه‌های عادی مطابق سیاست‌های ابلاغی منطقه‌ای و مراجع رسمی دارای صلاحیت، اجرا خواهد شد.

در همین حال سالن‌های نمایش کانون نیز به دلیل رعایت مسائل بهداشتی در پی شیوع بیماری ویروسی کرونا به‌مدت ۱۰ روز تعطیل می‌شود.

از سوی دیگر همه برنامه‌های بیستمین جشنواره تئاتر تجربه هم به تعویق افتاد. شبنم کیشانی، دبیر این جشنواره به ایسنا گفته که همه برنامه‌های این جشنواره که قرار بود از دیروز یکشنبه ۴ اسفند آغاز شود، به دلیل شیوع ویروس کرونا به تعویق افتاده و بر همین اساس اولین نشست این دوره از جشنواره که قرار بود با عنوان «جهانی‌بودن و جهانی نگاه‌کردن» با حضور امیررضا کوهستانی برگزار شود نیز به تعویق افتاده است. قرار بود این نشست ساعت ۱۱ امروز دوشنبه ۵ اسفند در پردیس هنرهای زیبای دانشگاه تهران برگزار شود.

کلمه

## رونی: پروست را تازگی‌ها خواندم

اگر فکر می‌کنید سن و سال‌تان گذشته و برای خواندن یکسری کتاب‌های مهم دیر شده و خجالت می‌کشید در جمع‌ها بگویند فلان شاهکار را نخوانده‌اید، بدانید که برخی نویسنده‌های معروف هم هستند که در شرایط شما به‌سر می‌برند با این تفاوت که هیچ خجالت نمی‌کشند بگویند فلان کتاب را نخوانده یا تازگی‌ها خوانده‌اند. نشان به آن نشان که خاتم سلی رونی، نویسنده ۲۹ساله ایرلندی که جایزه بخش داستانی کاستا را برای رمان «آدم‌های معمولی» به خود اختصاص داده درباره آثار ادبی محبوبش با نیویورک‌تایمز گفت‌وگو کرده و در بخشی از گفت‌وگویش گفته «در جست‌وجوی زمان از دست‌رفته» شاهکار مارسل پروست را همین تازگی‌ها خوانده است. بخش‌هایی از این گفت‌وگو را که از ترجمه ایستاگزینش کرده‌ایم، بخوانید:

هفته گذشته مطالعه کتاب زیبای «الفبای خانواده» نوشته ناتالیا گینزیورگ را آغاز کردم. در حال حاضر هم‌زمان کتاب‌های متفاوتی را

مطالعه می‌کنم و لذت می‌برم: «برادران کارامازوف» اثر داستایوفسکی، مجموعه داستان‌های کوتاه «اتحادیه عظیم» نوشته زادی اسمیت و رمان «یک جمهوری درخشان» نوشته آندرس باربا.

«آنا کارنینا»ی تولستوی را هم اخیرا خوانده‌ام.

کتاب «میدان واشنگتن» اثر هنری جیمز را چند هفته پیش برای نخستین بار مطالعه کردم. تابستان سال گذشته نیز کتاب «در جست‌وجوی زمان از دست‌رفته» نوشته مارسل پروست را مطالعه کردم. رمان‌های کلاسیک بسیاری وجود دارد و من تمام تلاشم را می‌کنم تا تعداد بیشتری از آنها را مطالعه کنم.

سنت‌های ادبی اروپا و آمریکای شمالی محدود است. آرزو داشتم فرصت این را داشته باشم که همه چیز را مطالعه کنم.

بنا به دلایلی، من اغلب اوقات سراغ مطالعه کتاب‌هایی که به عنوان هدیه دریافت کرده‌ام، نمی‌روم. فکر می‌کنم فهرست بلندبالایی از آثاری که باید مطالعه‌شان کنم را در ذهنم دارم و اضافه کردن کتاب‌های جدید به این فهرست صرفا به دلیل این‌که آنها را به عنوان هدیه دریافت کرده‌ام، برایم مشکل است.



### داستان‌های صادق چوبک در فرانسه

مجموعه هفت داستان از صادق چوبک با عنوان «یک شب بی‌خوابی» به تازگی با ترجمه سیلوی لو پلیتیه بوفون، ایوان رضوانی و ژوئل سگره برای اولین بار در انتشارات سیج کشور فرانسه منتشر شده است. آن‌طور که ایبنا نوشته، «یک شب بی‌خوابی» یکی از داستان‌های مجموعه «روز اول قبر» در سال ۱۳۴۴ است که حالا اسم این کتاب برگرفته از آن است.



### راهنمای کتاب‌خواندن در روزهایی که ویروس کرونا قصد ندارد بی‌خیال ما شود

# این کتاب‌ها واکسن نزده‌اند!

کتاب‌ها هم مریض می‌شوند. حتما فکر می‌کنید می‌خواهیم برویم سراغ پلاهایی که می‌افتند به جان کاغذهای کتاب و آنها را دچار آسیب می‌کنند، نه این‌طور نیست. می‌خواهیم حالا که همه جا حرف کروناست و این ویروس جامعه را حسابی نگران کرده، برویم سراغ رمان‌ها و داستان‌هایی که به موضوع بیماری‌های واگیر پرداخته و روایتی دوزخی ارائه کرده از آنچه در کتاب می‌گذرد. دوزخی که البته آخرش امن و امان شده و بدل به فضایی می‌شود که اگر بهشت هم نیست، لااقل بیماری از آن رخت پرست و آدم‌ها به ریتم عادی زندگی بازگشته‌اند.

داستان‌ها، همه‌شان چه رئال باشند و چه سوررئال، شکی در این نیست که از واقعیت‌های جامعه بیرون آمده و در ذهن خالقشان شکل و لباس تازه‌ای به خود گرفته‌اند. کتاب‌های گزارش ما هم هر چند بخشی از ادبیات داستانی‌اند اما نویسنده‌هایشان یا بر اساس واقعیهایی بیرونی داستان‌شان را ساخته و پرداخته‌اند یا خیال‌های دورشان سراغ شرایطی رفته که روزی به‌عنوان داستان تخیلی می‌خوانده‌ایم و حالا می‌بینیم در همان شرایط قرار گرفته‌ایم! می‌رویم سراغ همه این کتاب‌ها و ببینیم حکایت بیماری‌ها لای سطور کتاب‌ها چطور پیش می‌رود.



زینب مرتضایی‌فرد

ادبیات و هنر

#### «کوری»: یادعوی آدم‌های کور با آدم‌های کور دیگر

نویسنده: ژوزه ساراماگو

**مترجم:** ۱۵ ترجمه از این کتاب منتشر شده اما معروف‌ترین آنها متعلق است به مینو مشیری، مهدی غبرایی و اسد امرایی

**ناشر:** علم، مرکز، مروارید و دیگران!

**خلاصه داستان:** کوری روایت آدم‌هایی است که یکی پس از دیگری بنیابی‌شان را از دست می‌دهند اما به جای این‌که چشم‌هایشان دنیا را سیاه ببیند، سفید می‌بیند. انگار در دریایی از شیر غوطه‌ور شده باشند. در صفحات اولیه کتاب می‌بینیم آدم‌ها هرکدام دچار گناه و خطایی می‌شوند و بعد مبتلا به کوری سفید. در میان همه مردم فقط یک نفر است که می‌بیند و همان یک نفر هم تلاش خود را برای نجات برخی از اطرافیانش انجام می‌دهد. کوری‌ای که تمام شهر را گرفته و قرنطینه و هیچ کار دیگری هم برای کنترل کردنش به نتیجه نرسیده، با بارش یک باران تند از میان می‌رود و شهر به حالت عادی خود باز می‌گردد. ساراماگو در این داستان سوررئال می‌خواهد نشان دهد آدم‌ها همه مثل موجودات ناپینبایی هستند که با موجودات ناپینبای دیگری سر چیزهایی که حتی قادر به درست دیدن آنها نیستند، می‌جنگند. یک کوری معنوی که انسان امروز دچار است. آیا این بیماری روزی واقعی می‌شود و همه گیر؟ خب اگر واقع بین باشیم خواهیم گفت آدمیزاد همین حالا هم درگیر این بیماری است، منتها نه به شکل سمبلیکی که نویسنده کوری روایت کرده، بلکه به شکلی واقعی! البته همین جا اشاره کنیم که استاد ساراماگو نویسنده پرتغالی معروف، بعد از کوری، بنیابی را هم نوشته است. او در این رمان سراغ نقد جدی دموکراسی رفته و آخرش هم دوباره همه مردم را به کوری سفید مبتلا کرده است. چرا؟ یا بابا! توقع ندارید که همه‌اش را همین جا بگوییم!

**برشی از کتاب:**

تنها وضعیت وحشتناک‌تر از کوری، این است که تنها فرد بنیای جمع باشی.



#### «جنگ جهانی ز»: یا ما زامبی‌ها را شکست می‌دهیم

نویسنده: مکس بروکس

**مترجم:** حسین شهرایی

**ناشر:** تندیس

**خلاصه داستان:** ما که نشست‌هایم این دست به دعا تا این که تخیل نویسنده‌ها هیچ وقت واقعی نشود. دیدن زامبی‌ها در فیلم و خواندن‌شان در رمان هم سخت است چه رسد به... خدا به دور اصلا! در «جنگ جهانی ز» یا به‌قول این خارجی‌ها ز ماچرا این است که ده سال از پیروزی بشر بر زامبی‌ها می‌گذرد و سرانجام صلح به دنیا برگشته است. نماینده سازمان ملل مشغول تهیه گزارشی است از علت شیوع بیماری زامبی‌ها، چرایی شکست دولت‌های دنیا از آن و در نهایت چگونگی پیروزی انسان. در این سفر ابدت‌با به چین می‌رود که «بیمار صفر» در آن پیدا شد و بعد هم کم‌کم به همه دنیا از کره‌شمالی گرفته که مردمانش غیب شده‌اند تا روسیه که اکنون به امپراتوری مقدس روسیه مبدل شده، از کوکا به ایرلندرتی سرمایه‌دار تبدیل شده تا آمریکا که به سوسیالیسم روی آورده. در این کتاب داستان مادرانی را خواهید خواند که فرزندان‌شان را از ترس زامبی‌ها می‌کشند و نیز داستان فضانوردانی که از مدار زمین حمله زامبی‌ها را زیر نظر دارند و... اگر طاقت این همه ترس را دارید کتاب می‌تواند برایتان گزینه جذابی باشد. اگر هم فکر می‌کنید از کتاب و فیلم‌های ترسناک واهمه دارید که هیچ... ما توصیه می‌کنیم تجربه اش کنید، تجربه ترس لای سطور کتاب یا در فیلم می‌تواند خودش تجربه‌ای بی‌خطر برایمان باشد و کمی ترسمان از ترسناک‌ها را کم کند.



#### «عشق سال‌های ویا» یا ما الکی مریضیم!

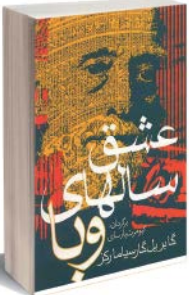
نویسنده: گابریل گارسیا مارکز

**مترجم:** بهمن فرزانه، کاوه میرعباسی و دیگران

**ناشر:** ققنوس، کتابسرای نیک و دیگران

**خلاصه داستان:** عشق سال‌های ویا را بخوانید و خیالتان راحت باشد در سرتا سر این کتاب همه چیز هست جز ویا! چرا؟ چون عشاق داستان جناب مارکز یا به‌قول طرفدارانش گایو مجبورند با افراشتن پرچم زرد به نشانه ویا در کشتی، یک سفر همیشگی را انتخاب کنند و روی دریا بمانند. چرا پایشان را گفتم؟ اولاً از کجا مطمئنتا آخرش را گفته‌ایم؟ دوما گفته باشیم هم داستان آنقدر عاشقانه جذاب و پرکششی هست که شما را با خود بکشاند و ببرد دریا به دریا و... نویسنده در کتاب می‌خواهد نشان دهد هر قدر ویا می‌تواند برای جوامع انسانی کشنده باشد، عشق هم طاعونی است که درمانی ندارد. عجالتا این را هم بگذارید جزو رمان‌های میکروبی و بخوانیدش.

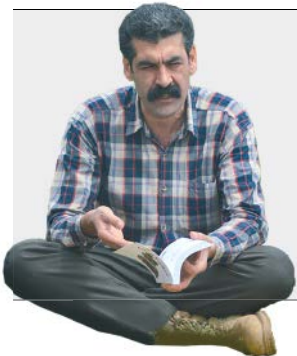
**برشی از کتاب:**



پزشکی درروم باستان را که مجهز به لباس و ماسکی علیه طاعون است

### چاپ سیزدهم «بیوه‌کشی» یوسف علیخانی

سال ۹۴ بود که چاپ اول رمان «بیوه‌کشی» یوسف علیخانی منتشر شد و حالا نشر آموت خبر داده که چاپ سیزدهم این اثر را روانه بازار کتاب کرده است. از علیخانی آثار دیگری چون «معجون عشق»، «عزیز و نگار»، زندگینامه داستانی حسن صباح، ابن بطوطه، صائب تبریزی و ناصر خسرو منتشر شده است.



#### وقتی «طاعون» حمله می‌کند

نویسنده: آلبر کامو

**مترجم:** ترجمه‌های متعددی از جمله رضا سیدحسینی و کاوه میرعباسی

**ناشر:** نیلوفر، چشمه و دیگران

**خلاصه داستان:** رمان کامو را با آمادگی روحی کامل بخوانید، حال و هوایش می‌تواند شما را بیچاند در پتوی افسردگی و پاک حالتان را بگیرد. طبیعی است دیگر... نویسنده‌های بعد از جنگ جهانی حال و هوای تلخی دارند و سیاهی‌های آن روز جهان و لشان نمی‌کرده است. طاعون همان‌طور که از نامش پیداست در این رمان جولان می‌دهد و آدم‌ها را قربانی می‌کند. شهر درگیر طاعون شده که موش‌ها هم به‌عنوان عامل اصلی شیوع بیماری به شهر حمله می‌کنند و چان شهر را می‌گیرند. تمام روایت کتاب داستان مبارزه با این بیماری است، مبارزه‌ای که در آخر به شکست طاعون می‌انجامد و مردم شهر دوباره زندگی روزمره‌شان را از سر می‌گیرند. طاعون البته سال‌های سال کابوس آدم‌ها بوده و در دوره قرون وسطی یعنی در قرن چهاردهم آنقدر قربانی می‌گیرد که نامش را بگذارند مرگ سیاه. اما دلیل این‌که گفتیم کتاب شما را می‌پیچد در پتوی افسردگی برای این است که نویسنده در سرتا سر کتاب دنبال معنای زندگی می‌گردد و آخرش هم می‌گوید گشتیم نبود، نگرد نیست! البته ما باید آن را به عنوان یک اثر ادبی مهم بخوانیم و از کنارش رد شویم، چون ما می‌خواهیم زنده بمانیم و زندگی کنیم، معتقدیم گشته‌ایم و هست، باید بقول سهراب سپهری خودمان چشم‌ها را شست و جور دیگر دید...

**برشی از کتاب:** یگانه راه مبارزه با طاعون شرافت است.



#### افشاگری به شیوه «پسری در ساکیتوس»

نویسنده: بروس مک الیستر

**مترجم:** مزده دقیقی

**ناشر:** نیلوفر

**خلاصه داستان:** «پسری در ساکیتوس» تک داستان عجیب و خاصی است که در مجموعه داستان کوتاه «نقشه‌هایت را بسوزان» منتشر شده است، داستانی که ترجمه و انتخاب خوب و دقیقی از آن را در اختیار ما قرار داده است. در این تک داستان نویسنده شخصیت اصلی خود را یکی از ماموران پیر سازمان اطلاعات آمریکا قرار می‌دهد. او در حالی که خود را به دیوانگی زده و تعریف می‌کند که او و دیگر همکارانش چطور و با چه شیوه‌هایی طاعون، وبا و دیگر بیماری‌ها را در کشورهای به مورد نظر آمریکا بوده، مسری می‌کرده‌اند، او به دقت روایت می‌کند که دولت آمریکا وقتی قصد شکست اقتصادی یا ایجاد بحران داخلی در کشوری را داشته، این کار را با شیوع بیماری‌های ویروسی یا باکتریایی پیش می‌برد و در نهایت هم چگونه روش خود را تغییر داده است. فکر می‌کنید این روش تازه چه بوده؟ تحریم اقتصادی! اما که موقع خواندن داستان کلی حیرت زده شدیم و با چشم‌هایی که مدام از تعجب گرد تر می‌شد، به پایش رساندیم. راوی نشان می‌دهد آمریکا قصد ندارد دست از سر جهان بردارد، خود را بهترین کشور می‌داند و از شیوع بیماری برای کشتن آدم‌ها تا فروپاشی کشورها و هر اتفاق دیگری را حق خود می‌داند. این کتاب هنوز با چاپ قدیم در بازار کتاب موجود است، حتما بروید سراغش و بخوانیدش، همه داستان‌های مجموعه یک طرف و این داستان هولناک یک طرف دیگر. خلاصه که آخرش لابد گفته‌ای است توطئه آمریکایی!



**«دکامرون» به جنگ طاعون رفت**  
نویسنده: جووانی بوکاچو  
**مترجم:** محمد قاضی  
**ناشر:** مازیار

**خلاصه داستان:** بوکاچو نویسنده بزرگ ایتالیایی در قرن چهاردهم و دوره‌ای که طاعون مدام قربانی می‌گرفته، شروخ می‌کند به نوشتن دکامرون، اثری که فرمی شبیه هزار و یکشب دارد و پر است از داستان‌های عاشقانه. او با نوشتن قصه‌ها آدم‌ها را آرام و حواسشان را از طاعون پرت می‌کند. اما که شرایطمان اینقدر وخیم نیست، اما از این عاشقانه نویس‌های بزرگ و مهربان با زندگی نمی‌شناسید که این روزها کمی حواسمان را پرت کند؟



#### «چشمان تاریکی» یا بروپی کارت کرونا!

نویسنده: وین کونتز

**مترجم:** ندارد اما احتمالا به زودی تعداد زیادی ناشر و مترجم خواهد داشت!

**خلاصه داستان:** خیلی از آثار علمی-تخیلی هستند که توانسته‌اند پیشرفت‌های علمی یا وقایع بعدی جهان را پیش‌بینی کنند. یک نمونه از این پیشگویی‌ها که این روزها سوژهٔ ویتیر شده، حضور ویروس کرونا در زمانی برای ۴۰ سال پیش است. رمان «چشمان تاریکی» توسط دین کونتز، نویسنده پر فروش آمریکایی سال ۱۹۸۱ نوشته و در آن به یک ویروس مرگبار به نام «ووهان-۴۰۰» به عنوان یک سلاح بیولوژیک اشاره کرده بود. آن‌طور که احسان رضایی یکی از فعالان کتاب در کانالاش نوشته، این رمان درباره مادری است که فرزندش ناپدید شده، مادر در حین جست‌وجو برای یافتن پسرش به شهر ووهان چین (منشأ ویروس کرونا) می‌رسد و سر از کار ویروس خطرناک ووهان-۴۰۰ درمی‌آورد که در آزمایشگاه ساخته شده و افراد زیادی را مبتلا کرده است.

ویروس ووهان-۴۰۰ هم مثل کرونا علائم تنفسی دارد ولی بسیار خطرناک‌تر از کروناست، چون همه مبتلایان را ۲۴ ساعته می‌کشد؛ درحالی‌که کرونا باعث مرگ فقط ۲ درصد از مبتلایان است. البته عمر این پیش‌بینی به اندازهٔ خود رمان نیست و در نسخه‌های اولیه رمان، اسم ویروس گورکی-۴۰۰ بوده و در روسیه ساخته شده بوده که ظاهرا بعد از جنگ سرد، عوض شده است.

